

یک پاپ، یک تمبر و جایی که کردها هستند

گردوغبار ناشی از سفر پاپ فرانسیس به عراق و اقلیم کردستان فرونشسته بود که اتخاذ یک تصمیم جنجالی برای انتشار یک تمبر یادگاری، توجه تمام رسانه‌های منطقه و جهان را به‌سوی خود جلب کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمدعلی دستمالی، کارشناس امور خاورمیانه در یادداشتی نوشت:

هنوز گردوغبار ناشی از سفر پاپ فرانسیس به عراق و اقلیم کردستان فرونشسته بود که اتخاذ یک تصمیم جنجالی برای انتشار یک تمبر یادگاری، توجه تمام رسانه‌های منطقه و جهان را به‌سوی خود جلب کرد. ماجرا از جایی آغاز شد که جناب آنو جوهر، وزیر حمل‌ونقل و ارتباطات اقلیم کردستان عراق که خود از آشوریان و مسیحیان این دیار است، در یک مصاحبه تلویزیونی، تصاویری از چند تمبر را در اختیار رسانه‌ها گذاشت و اعلام کرد که این تمبرهای یادگاری، به‌منظور گرمی‌داشت سفر تاریخی پاپ به اربیل چاپ شده‌اند و کلکسیونرها می‌توانند در واحدهای ادارات پست، آنها را خریداری و در آرشیو خود نگه دارند. یکی از این تمبرها، تصویر پاپ را روی نقشه‌ای نشان می‌داد که در واقع یادآور یک گستره جغرافیایی وسیع در منطقه است که غالباً کردها در آن زندگی می‌کنند.

اگر قرار باشد از دید مقامات امنیتی و سیاسی چهار کشور حاکم به این موضوع نگاه کنیم، تصویر تمبر مزبور یا همان نقشه عبارت است از یک نگرش و رویکرد تجزیه‌طلبانه برای تکه‌تکه‌کردن چهار کشور مهم منطقه و به‌هم‌چسباندن این تکه‌های جداشده و تشکیل واحد جدیدی به نام کردستان بزرگ! فارغ از اینکه در عالم واقعیت چنین چیزی تا چه اندازه امکان‌پذیر است و آیا اساساً چارچوب کنونی روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و عقل و مصلحت، راه می‌دهد که جمعیت‌های قومی مشترک، به‌دنبال کردستان بزرگ، ترکستان بزرگ، عربستان بزرگ یا هر الگوی مشابه دیگری باشند، نه‌تنها در این چهار دولت، بلکه در جهان نیز کسی چنین پیوند و اتصال ساختاری و قوای شگرفی را بر نمی‌تابد و می‌توان به این جمع‌بندی رسید که این تصمیم عجولانه و جنجالی، کمکی به کردها نکرد و اقدامی است که جز حساسیت و واکنش، پیامد و رهاوردی ندارد. انتشار این تصاویر کافی بود تا حتی قبل از آنکه تمبرها چاپ شوند و به آلبوم کلکسیونرهای علاقه‌مند راه پیدا کنند، شاهد موج گسترده‌ای از واکنش‌های سیاسی در منطقه باشیم.

علاوه بر دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، سران سیاسی عراقی و همچنین مقامات ترکیه موضع گرفتند و همچنان که انتظار می‌رفت، در ترکیه، علاوه بر نهاد رسمی حکومت، شخصیت‌های ملی‌گرا و تند نیز به سخن آمدند و کار به جایی رسید که خانم مرال آکشنر، رهبر حزب راست افراطی «خوب» یا ای‌پارتی، در پارلمان عکس بزرگی را به نام نقشه خیالی کردستان بزرگ به رسانه‌ها نشان داد که البته نشان از کج‌سلیقگی خود او بود؛ چراکه اگر یک نماینده‌گرد تصویری از مناطق واحد کردنشین منطقه را نشان می‌داد، به احتمال قوی جای او زندان بود! اما آکشنر این تصویر را نشان داد و به‌زعم خودش افشاگری کرد!

گفتیم اگر قرار باشد از دید مقامات امنیتی و سیاسی چهار کشور به این موضوع نگاه کنیم، نقشه نشان‌دهنده خواسته و هدفی است که قابل تحمل نیست و حساسیت و واکنش تند به دنبال می‌آورد؛ اما پرسش این است: آیا صرفاً باید از این دریچه به مسئله نگریست و این نقشه هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد؟ پاسخ من، چنین است: بخواهیم یا نخواهیم، این گستره جغرافیایی با غالب‌بودن جمعیتی کردها، از دیرباز در بین چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه، وجود داشته و دارد. کردستان فرهنگی و جغرافیایی، سرزمین و دیاری است که کردها در آن زندگی می‌کنند و برای زیستن و بقا در این جغرافیای نه‌چندان غنی و ثروتمند و همواره در معرض تهدید و یورش، هزینه‌ها و تاوان‌های سنگینی پرداخته‌اند. گاه شریک و صاحب‌منصب حکومت‌های محلی و خاندان‌ها بودند، گاه سرباز و دیوان‌دار و سردار امپراتوری‌ها. گروهی در شهرها بوده‌اند و کسانی دیگر، گاه در سیاه‌چادرهای موسوم به دوار زیسته‌اند و گاه در روستا؛ اما هرچه هست این دیار، جا و مکانی برای زیستن کردها و اقوام همراه و همنشین آنهاست و هیچ‌گاه در هیچ‌جای این تاریخ و جغرافیا، نمی‌توان نقطه‌ای یافت که کردها، قومی دیگر را بیرون رانده باشند یا منکر وجود دیگری باشند، به هر قومی دختر داده و از هر قومی دختر گرفته‌اند، ترانه ساز کردند و گندم کاشتند، خون دادند و خیمه را در هجوم باد، نگه داشتند.

اگر نام این قوم، مثلاً به جای کُرد، انار می‌بود و دیار آنها را نیز انارستان می‌نامیدند، باز هم چیزی تغییر نمی‌کرد. باز هم در هر حال، این جغرافیا، اشتراکی داشت به نام قومیت و زبان و فرهنگ مشترک که شاید باید پوزش طلبید از اینکه قدمت این چیزها، بیش از ۵۰ برابر قدمت مفاهیمی چون دولت ملی است! برای دوستان و کارشناسان و خوانندگان که احتمالاً شناخت چندانی از قوم کُرد ندارند، این را عرض کنم که بین لهجه‌های متعدد زبان کُردی و تیره‌ها و طوایف و عشایر، تفاوت‌های بسیار جدی وجود دارد؛ برای مثال یک کُرد کلهر اهل گهواره و ماهیدشت کرمانشاه، با کُرد زازای درسیم در ترکیه، تفاوت زبانی بسیار مشهودی دارد، کُردی اردلانی و گروسی بسیار متفاوت است با کُردی کورمانجی و با کُردی سورانی و اورامی نیز تفاوت‌های بسیار محسوس دارند؛ اما بخواهیم یا نه، همه این آدم‌هایی که هیچ‌کدام‌شان از دایره شمول آیه سیزدهم سوره مبارکه حجرات، خارج نیستند، همگی خود را «کُرد» می‌دانند و از آن سوی کرانه ارس تا مَکریان و سَنَدج و ثلاث و باباجانی و ایلام بدان سوی سیروان و حلبچه و سلیمانیه و دشت کرکوک و از آنجا به سوی وان و ماردین و باتمان و نصیبین تا دیرک و قامیشلو و کوبانی و عفرین، از هرکه بپرسی کیستی، یحتمل خواهد گفت: کُرد هستم. ابعاد جغرافیای انسانی و فرهنگی و اجتماعی این موضوع، به همین سادگی است و هرکس بخواهد از این واقعیت عینی، ابزاری برای هراساندن دیگران بسازد، باید در سیمای او و اصالت شناسنامه‌اش، به دقت بسیار نگریست.

این جمعیت کُردی در این گستره جغرافیایی، توانسته و می‌تواند پل ارتباط باشد و سرچشمه تعامل. کافی است، نه در کارزار انتخابات و شورآفرینی

سخنرانی‌های میدانی، بلکه در عمل، باور و التزام داشته باشیم به هم‌زیستی مبتنی بر همسانی و حقوق برابر برای همه بندگان خداوند. در این صورت می‌توان نویسندگان کُرد هر چهار کشور را در کرمانشاه گرد هم آورد و بزرگ‌ترین جشنواره داستان کُردی منطقه را به راه انداخت. می‌توان نوازندگان و خوانندگان کُرد هر چهار کشور را در قامیشلو جمع کرد و فستیوال موسیقی برگزار کرد. می‌شود تجار و کارآفرینان کُرد هر چهار کشور را در دیار بکر ترکیه زیر یک سقف جمع کرد و یک اتحادیه اقتصادی برای توسعه تجارت و توریسم تشکیل داد، می‌شود ماموستایان و عالمان دینی کُرد هر چهار کشور را در حلبچه جمع کرد و کنگره دینی برگزار کرد. در حوزه ورزش و طب و صنایع دستی و هر حوزه دیگری نیز می‌توان نه‌تنها برای کردها، بلکه برای ترک و عرب و فارس‌های مناطق مختلف نیز همین کار را کرد و نه‌تنها به هیچ کشوری ضرری نرسد، بلکه همه دولت‌های مرتبط، از چنین گردهمایی‌هایی سود ببرند.

روزی که پاپ فرانسیس در استادیوم بزرگ شهید هریری اربیل حضور پیدا کرد، به‌عنوان یک تحلیلگر سیاسی، از دو موضوع، بسیار بسیار متأثر و متأسف شدم: نخست اینکه خانم جنین هنیس پلاسخارت، نماینده سازمان ملل در عراق، با پوشش زیبای کُردی در کنار سران و مسئولین کُرد نشسته بود، اما چهره‌های مهمی همچون نیچپروان بارزانی، عمر سید علی و دیگر بزرگان کُرد، ترجیح داده بودند به روال همیشه؛ یکه و تنها و بدون همسر در جایگاه ویژه بنشینند! بانوی هلندی، جامه کُردی پوشیده بود و در صف نخست نشسته بود، بانوی کُرد در پستوی خانه بود و از دور، سیمای پاپ را می‌نگریست! دوم اینکه در آن مراسم بزرگ در اربیل، بسیاری از سران احزاب دیگر حضور نداشتند و این تنها حزب حاکم بود که بر سفر پاپ به دیار کردها، سایه افکنده بود. بدون غبار تردید و با یقین و شفافیت رأی و نظر می‌گویم، اگر به جای طراحی یک تمبر هزینه‌ساز و جنجالی، به رفع چنین نواقصی می‌اندیشیدند، همه‌چیز بهتر و مفیدتر می‌بود.

منبع: شرق